

## طلیعه خانه انصاف

از جمله طرح های مفید و ثمربخشی که برای حل و فصل دعاوی مطروحه بین افراد ده با شرائط خاص پیش بینی و بمرحله عمل درآمده طرح خانه انصاف میباشد.

اساس طرح مزبور میتوان گفت برپایه «واگذاری کار مردم ب مردم» یکی از مبانی ارزنده دموکراسی که امروزه ملل مترقی عالم بدنبال آن روانند استوار گردیده ، تجلیات اجتماعی و مظاهر این طرح در زمانی بظهور رسید که کشور ما بدنبال انقلاب سفید شاه و ملت راه اعتلا و ترقی خود را در پیش گرفته و برای نیل بزندگانی بهتر و سعادت و آتیه روشن تری در سایه و روشن اصول شش گانه گامهای شمرده و استوار برمیدارد.

گرچه قوانینی چند بعنوان طلایه و پیشقدم برطلیعه خانه انصاف در ادوار قانون گذاری ایران میتوان جستجو کرد که جزئی از مصلحت های زنده قانون خانه انصاف را در برداشته باشد ولی بجهاتی که مشهود افتاده است از نظر فقدان مزایا و خصوصیات و کیفیاتی که مستلزم آسایش خاطر همگان باشد در آن سراغ نمیشد و حوائج ضروری و محیطی را از نظر حل مشکلات قضائی و دعاوی گوناگون از هر جهت فراهم و برآورده نمیکرد امروز جزء قوانین معطله و سرده میتوان آنها را بحساب آورد.

و برای اینکه اهمیت و برتری قانون خانه انصاف به ثبوت برسد از نظر تاریخ قضائی ذکر آن خالی از فائده نخواهد بود اینجا است که بطور فهرست مقررات مذکوره را تعیین میکنیم و باصل مطلب از نظر حقوق تطبیقی با یکی از قوانین مشابه آن که در کشور دیگری حکمفرماست میپردازیم :

۱ - از جمله قانون مصوب ۱۳۱۲ است که در ماده دوم آن چنین مقرر

میدارد :

برای رسیدگی بدعاوی بین افراد ایلات ساکن لرستان با یکدیگر و با دعاوی آنها در لرستان با سایر اشخاص هیئت حاکمه مرکب خواهد بود از سه نفر در مواردی که مطابق تصویبنامه هیئت وزراء محاکم عادی مرجع رسیدگی باشد حکام هیئت حاکمه در دعاوی که مدعی به از پنج هزار ریال تجاوز نکند قطعی و غیر قابل شکایت خواهد بود.

رسیدگی استینافی بدعاوی که مدعی به آن از مبلغ مزبور تجاوز کند - بعهده محکمه مرکب از سه نفر خواهد بود که در طهران تشکیل میشود حکم این محکمه قابل تمیز نیست.

هیئت مذکور در قسمت اول این ماده با سور جزائی نیز که مطابق قانون جنحه تشخیص شده رسیدگی خواهد کرد و حکم آن در صورتیکه بدو ماه حبس یا کمتر و یا بجزای نقدی صادر شده باشد قطعی و غیر قابل شکایت است و در غیر این صورت در یکی از شعب جزائی محکمه استیناف شرب بان رسیدگی خواهد شد.

۲ - بموجب تصویب نامه شماره ۳۳۳ - ۱۲/۵/۲۱ تشکیل محکمه را از سه نفر نمایندگان وزارت عدلیه و داخله و مالیه و یک نفر مدعی العموم که از طرف وزارت عدلیه تعیین میشود مقرر داشته است.

و بموجب تصویب نامه دیگر در دعاوی پیش از پانصد ریال نیز اجازه داده شده که محکمه باستناد شهادت شهود دعوی پیش از مبلغ مزبور را رسیدگی و بر طبق علمی که در اثر ملاحظه اسناد کتبی و استماع شهادت شهود و تحقیقات محلی در صورت لزوم و سایر امارات و قرائن حاصل مینماید حکم دهد و حال آنکه مطابق قانون شهادت و امارات دعاوی پیش از پانصد ریال بشهادت شهود قابل استماع نیست.

۳ - قانون مربوط بدادگاههای سیار مصوب ۱۳۳۷ که مقرر میدارد:

برای رسیدگی بدعاوی مدنی و کیفری بین ساکنان هر محلی که از مرکز حوزه های قضائی دور است دادگاه سیار تشکیل دهد و قانون مزبور مشتمل بر سیزده ماده و در امور مدنی مطابق فقرات یازده گانه ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی در صورتیکه بهای خواسته بیش از یکصد هزار ریال نباشد و در امور جنحه و خلاف بطور اطلاق حق رسیدگی و صدور حکم را دارا خواهد بود.

ع - ماده واحده قانون راجع باسور قضائی عشایر و ایلاتی که اسکان میشوند مصوب ۱۳۳۷ با شش تبصره که بوزارت دادگستری اجازه داده است در نقاطی که ایلات و عشایر خلع سلاح شده و اسکان میشوند برای رسیدگی باختلافات و دعاوی افراد ایلات و عشایر با یکدیگر و یا کسانی که با آنها دعوی دارند هیئت‌هائی مرکب از سه نفر که دو نفر از آنها از قضات مجرب باشند تشکیل دهد که با توجه باصول و قوانین بطریق کدخدا منشی و اصلاح اختلافات دعاوی مربوطه را فیصده دهد و در امور کیفری خلاف و جنحه رسیدگی و حکم دهند.

\* \* \*

با ملاحظه این سوابق قضائی بحث ما در اطراف خانه انصاف و آئین نامه تعلیماتی آن بدیهی است با گذشت زمان و صدور احکام و دستورها و رسیدگی هائی در موقع خود مفید خواهد بود بسا ممکن است در جریان قانون گذاری حکم و اصلاحاتی در مقررات یا مواد آن بعمل آید که فعلا مورد نکته گیری و بحث و انتقاد نیست.

ولی آنچه در این جا موضوع سخن است مقایسه طرح خانه انصاف در ایران و قانون پنجایات هندوستان است.

در کمیسیونی که بنا بدعوت وزارت دادگستری حضور پیدا کرده بودم بمناسبتی جزوه مربوط بشوراهای روستائی هندوستان بدستم رسید. ما در این جا این طرح و قانون را در مقام سنجش و قیاس به بحث و فحص آن پرداخته و محاسن و مزایای هر یک را با توجه بخصوصیات محیطی و توقعات و احتیاجات زمانی و کشوری بیان خواهیم داشت.

### پنجایات یا شوراهای هندوستان

در بادی امر بنظری آید که قانون پنجایات هندوستان را باید با مقررات و عضویت نامه های شورای بخش مقایسه کرد ولی چون در مقررات مربوط شوراهای بخش عناوینی از نظر قضاوت در امر مدنی و کیفری موجود نیست بلکه بطوریکه در ماده نهم تصویب نامه شورای بخش مصوب ۱۳۱۱ ملاحظه میشود کلیه مربوط است :

(بساختن راههای فرعی بین دهات ، آماده کردن قنوت ، تشریک

مساعی برای دفع آفات نباتی و حیوانی ، راهنمایی و دادن تعلیمات فلاحتی ، خشک کردن باطلاقتها ، دائر کردن زمین های بائر ، تأسیس شرکت های فلاحتی ، ترویج بذر مرغوب ، تأسیس شرکت ها برای پاک کردن و طبقه بندی سیوه جات و محصولات فلاحتی ، تهیه کودهای فلاحتی و ترویج صنایع دستی محلی ، احداث و اصلاح خانه های رعیتی ، رعایت اصول بهداشت و ادا کردن مالکین بدرختکاری ، ایجاد جنگلهای مصنوعی ، تشویق بتربیت اغنام و احشام و طیور اهلی و تشویق افراد باستفاده در کلاسهای اکابر) که کلیه این سباحث بفرهنگ و بهداشت و اسور عمرانی ارتباط دارد این است که بنظر ما قانون پنجایات هندوستان چون متضمن چند مباحث است و تمام حوائج دهستان اعم از اسور شهرداری . عمرانی ، قضائی ، محاکماتی و کلیه احتیاجاتی که به تناسب در شهرستان ها مورد نظر است در این شوراها پیش بینی شده ، بحث آن مفید بنظر میرسد .

همانطور که در مقدمه تذکر دادیم از مطالعه مجموع مقررات پنجایات واضح و آشکار است که تمام هم قانون گذار با بررسی باوضاع اجتماعی آن سرزمین معطوف باین نکته مهم است که کار مردم را باید بمردم وا گذاشت .

دموکراسی امروز که ملل مترقی عالم برای ترقی و تعالی افراد و تأمین اجتماعی حقوق مردم و آسایش و خوشبختی آنان در انتخابات و روش کار و برگزیدن طرق مختلف آزاد و مختار گردانیده و تشخیص و اگذاری کار مردم بمخود مردم است ملاحظه میشود که کم و بیش در تمام شئون هر کشوری راه پیدا کرده در اعلامیه استقلال امریکا ۱۷۷۶ که چنین مشعر است بخوبی این معنی استنباط میشود

«جمع مردم یکسان آفریده شده و خالق ستعال حقوق غیر قابل سلبی بانها عنایت نموده است و از آن جمله است حق حیات ، آزادی و طلب خوشبختی که برای تأمین این حقوق در بین مردم حکومت هائی بوجود آمده که اختیارات حقه آنها ناشی از رضایت مردمی است که بر آن حکومت میکنند . . .»

باز در جای دیگر می نویسد « . . . سازمان اختیارات حکومت طوری

باید باشد که با احتمال قوی امنیت و خوشبختی مردم را برآورده کند . . .»  
 آری تمام مساعی دولت ها و گردانندگان چرخهای اجتماعی و بالاخره

آمال ملی هرکشوری معطوف باین است که برای تأمین حیات اجتماعی و ترقی و تعالی ملتی که وظیفه دار حفظ و حراست آن است طرقی را برای اداره برای بقاء اعتلا و زیست اجتماعی برگزیند که رفاه و آسایش همه را در بر داشته باشد که یکی از آن طرق واگذاری کار مردم بمردم همین تشکیل و سازمان خانه انصاف است که در مقام قیاس با قانون پنجایات هندوستان آسایش جمعیت انبوهی از مردم این سرزمین را تأمین خواهد کرد قانون پنجایات متضمن دو قسمت است :

شوراهای روستائی .-

شوراهای قضائی .-

اساسنامه شوراهای روستائی ، و جب قانون سازمان حکومت محلی دهات

شتمل بر سه واحد میباشد :

- ۱ - کانون سیها مجمع عمومی کلیه اشخاص بالغ ده .
- ۲ - کانون پنجایات شورای ده که بمنزله کمیته اجرائی مجمع عمومی محسوب میشود .
- ۳ - شورای قضائی که از نمایندگان سه تا پنج حوزه شورا تشکیل میآید .

اختیارات شورا دو قسم است : اجباری و اختیاری

اهم اختیارات اجباری مربوط است بساختمان ، تعمیر و تنظیف ، روشنائی کمک بهداشتی و اسور صحی و جلوگیری از اشاعه بیماریهای واگیر همگانی و نگاهداری و مواظبت ساختمان های عمومی املاک متعلقه بحوزه و مجمع مربوطه و ثبت موالید و ازدواجها و وفات و جلوگیری از تخلفی و تجاوز بخیا بان ها و کوچه ها و اماکن عمومی و تهیه مقررات اماکن برای دفن و یا معدوم ساختن اجساد مردگان و مقررات بازارها و اغذیه فروشها که اداره آن در اختیار هر مقامی میباشد ، تأسیس مدارس پسرانه و دخترانه و نگاهداری آنها و ایجاد و اداره اراضی عمومی و مراتع و حفر و تعمیر چاههای و ساختمان استخیر و حوضچه جهت تهیه آب آشامیدنی و سایر اسور و مقررات ساختمان ها ، کمک در پیشرفت اسور کشاورزی و بازرگانی و صنعتی مساعدت در اطفاء حریقها و اداره و برگذاری امور قضائی در قسمت حقوقی و جزائی بوسیله شورای قضائی و نگاهداری سوابق مربوط بمواشی و آمار مردم و ترفیه حال

سادران و اطفال نوزاد و تعیین محل جهة انباشتن کود و هرگونه اختیاراتیکه بوسیله قانون وضع میگردد و اداره امور جنگلها مجاری آب و مراکز شرب .

وظائف اختیاری درشوراها : وظایف اختیاری شوراها مربوط است بفرهنگ و رسوم محلی ، تسطیح اراضی و پرکردن گودالها و سازمان نیروی حفاظت و پاسبانی قصبات و دهات بوسیله افراد داوطلب و سایر امور عمومی و مساعدت و تقسیم و پخش دام بکشاورزان و استرداد آن و پیشرفت امور تعاون و تهیه بذر مرغوب و طرز انبار کردن و کمک و مساعدت مردم در موقع قحطی و خشکسالی و تهیه و تسلیم گزارش مربوط بامور انجام یافته در حوزه مجمع عمومی بشورای بخش و تأسیس کتابخانه و قرائت خانه و زمین بازی و تهیه رادیو و گرامافون عمومی و انجام امور محوله از طرف شورای بخش و ترقی و تعالی امور اجتماعی و هم آهنگی مردم و رواج خوش بینی در میان آنها .

اداره و توسعه دبستان ها و داروخانه های عمومی دایر کردن آنها در دهاتی که فاقد اینگونه مؤسسات است و نظارت در تعمیر و پاک کردن چاه ها و استخرها و آبروها و مستراح های عمومی یا متروک کردن آنها و اصلاح مجاری آبها و تمیز نگاه داشتن خیابان ها و کوچه ها و از این قبیل امور و نسبت بسوء سلوک و رفتار مستخدمین جزء دولت که مستقیماً مربوط بامور آن حوزه میباشد هنگام عرض شکایت رسیدگی نمایند .

### شورای قضائی

قاضی بخش برای تأسیس شورای قضائی هر یک از بخش ها را بچند حوزه تقسیم میکند و هر یک از این حوزه ها معمولاً مشتمل است بسه تا پنج مجمع عمومی و هر یک از مجامع عمومی از میان اعضاء خود پنج نفر را بعضویت شورای قضائی آن حوزه انتخاب میکنند .

شرایط انتخاب شوندگان بعضویت شورای قضائی عبارت است از اینکه

- ۱ - بالغ باشند .
- ۲ - ساکن دائمی حوزه ای باشند که آنها را انتخاب میکنند .
- ۳ - خواندن و نوشتن زبان هندی را بدانند .
- ۴ - صلاحیت آنرا داشته باشند که بعضویت شورای روستائی برگزیده

پس از آنکه انتخاب اعضای شورای قضائی انجام گردید دولت روزی رامعین میکند که در آن روز با تشکیل جلسه رئیس شورا را از میان خود انتخاب نمایند.

### وظائف و اختیارات شورای قضائی

شورای قضائی در مسائل حقوقی و جزائی و اصول در آمد دارای وظایف و اختیارات ذیل است.

### اختیارات جزائی

اختیارات مربوط باسور کیفری شامل اختیارات مصرحه در قسمت های زیر میباشد :

استعمال لباس یا علائم نظامی ، نزاع و ایجاد بی نظمی در شوارع یا اماکن عمومی ، فرار از خدمت ، تمرد از دستور مأموران ذی صلاحیت دولت ، پاسخ ندادن بهسئوالات مأموران ذی صلاحیت دولت ، آلوده ساختن آب مخازن عمومی یا چشمه های آب ، رانندگی با سرعت و بدون پروانه ، سد معابر عمومی یا خسارت رسانیدن بآنها ، بی احتیاطی در ایجاد حریق ، نگاهداری مواد سحترقه و قابل انفجار آزار و صدمه رسانیدن در اثر عصیانیت و تحریک شدید ، بمخاطره انداختن زندگی دیگران ، توقیف و سلب آزادی دیگران ، حمله و اعمال جبر ، سرقت مقرون بعنف اعمال زور و جبر برای توقیف و حبس دیگران ، وادار کردن بکار اجباری ، سرقت تصرف و غصب اموال بنادرستی ، اخفاء اسوال مسروقه ، شرارت ، آزار رسانیدن ، کشتن ، ناقص کردن حیواناتی که ارزش آن ها کمتر از ده روپیه باشد صدمه رساندن بکارهای آبیاری تجاوز و تخطی جنائی ، تجاوز و ورود بمسکن بجبر توهین منجر به تحریک وبهم زدن آرامش ، تهدید جنائی ، توهین بحیثیت زنان بدرفتاری وتظاهرات مستانه در معابر عمومی بالاخره دولت مجازات هرنوع جرایم دیگر را نیز در صلاحیت رسیدگی شورای قضائی اعلام نماید .

شورای قضائی حق رسیدگی بجرائم زیر را ندارد :

الف - وقتی که متهم سابقه محکومیت بسه سال یا بیشتر زندان را داشته باشد .

ب - وقتی که متهم از اعضاء ثابت یک دسته یا قبیله یاغی باشد .

ج - وقتی که متهم مقید بداشتمن رفتار خوب باشد .



د - وقتی که متهم بعثت قماربازی محکوم شده باشد .  
در سواردی که شورای قضائی خود را صالح بداند یا موارد مهم و  
بغرنجی پیش آید میتواند شاکی را به محاکم عادی راهنمایی نماید .

### صلاحیت حقوقی شورای قضائی

صلاحیت حقوقی شورای قضائی در موارد زیر است مشروط بر اینکه قیمت  
خواستنا از مبلغ یکصد روپیه تجاوز ننماید :

الف - دعاوی که در اثر قرارداد ایجاد شده مربوط بقراردهای اموال  
غیر منقول میباشد .

ب - دعاوی مربوط بتصرف غیر قانونی یا صدمه رسانیدن باموال منقول

ج - دعاوی مربوط باسترداد اموال منقول با جبران ارزش آن .

د - دعاوی مربوط به تجاوزاحشام

در اثر توافق طرفین دعوی نیز هر نوع دعوی از انواع دعاوی مذکور  
در فوق یا هر نوع دعوی مربوط بدرآمد صرف نظر از ارزش آن ممکن است بشورای  
قضائی ارجاع گردد

دعاوی ذیل خارج از صلاحیت رسیدگی شورای قضائی است :

دعاوی مربوط باختلاف حساب شرکت ، اختلاف مربوط بامور وصیت  
وارث ، دعاوی که یکی از طرفین آن از کارکنان دولت بوده و بمناسبت شغل خود  
وارد در دعوی باشد ، دعاوی مربوط باشخاص سفیه و نا بالغ و بعضی از دعاوی  
مربوط بابجاره و استهلاك قروض کشاورزی که در قوانین مربوطه تصریح شده ؛ علت  
خارج کردن این نوع از دعاوی از صلاحیت شوراهای قضائی اشکال و پیچیدگی  
قوانین مربوطه برسیدگی این نوع دعاوی با خطر اعمال نفوذ وامکان رسیدگی  
بیطرفانه عدالت میباشد .

### رسیدگی بدعاوی مربوط بعایدات

رسیدگی بدعاوی مربوط بعایدات اراضی تاسیزان دویست روپیه و در صورتی  
که دعوی درآمد از مبلغ ۲۰۰ روپیه تجاوز نماید خارج از حدود صلاحیت شورای  
قضائی است .

### اختیارات شورای قضائی در تعیین مجازات

شورای قضائی حق تعیین مجازات حبس ولو اینکه قابل خرید باشد



ندارد حداکثر جزائی که بتواند تعیین کند پرداخت غرامت و جریمه تا میزان صد روپیه میباشد .

از مطالعه اجمالی قانون پنجایات و نکات فوق و با مقایسه قانون انصاف مطالبی بدست میآید که ذکر و توضیح آن خالی از فائده نخواهد بود  
گو اینکه شورای قضائی پنجایات با چنان اختیارات وسیعی که قانون گذار بعهده آنها واگذار کرده و خود بسیاری از احتیاجات و حوائج زندگانی مردم و حتی امور تبلیغاتی را بدست مردم و شورا سپرده و اداره مینمایند از بعضی جهات بی شباهت بسازمان حکومت محلی شهرها در امریکا نیست چه آنکه در سازمان های حکومت محلی شهر یا حکومت محلی جزء کشور امریکا وظایف و تکالیفی پیش بینی شده که ارتباطی بحکومت متحده مرکزی ندارد و چنانکه در رساله ( حکومتی بدست مردم ) چنین می نویسد :

« وظیفه عمده حکومت محلی کشور جزء - اداره امور و تأمین احتیاجات روزانه ساکنان آن کشور است مثلاً تأمین وسائل ارتباطی و حمل و نقل داخلی و وضع مقررات برای امور بازرگانی و صنعتی و امور جزائی و تعیین شرائط کار در داخله کشور و بسیاری از امور دیگر که بدست حکومت محلی کشور جزء صورت میگیرد »  
اما مقررات طرح خانه انصاف با توجه با احتیاجات روزانه و اصلاحاتی که اجتماع امروز لزوم آن را احساس و پیش بینی میکند در دنباله اصلاحات عمیق اجتماعی است که در ششم بهمن ۱۳۴۱ پایه آن گذاشته شده و در حقیقت خود انعکاس روشنی از طلایه روشن و طلایه آن اصلاحات دامنه دار بوده که در آسمان داد گستری پرتوافکنی میکند .

و از طرف دیگر از مجموع مواد طرح مزبور مستفاد نمی شود که قوانین مربوط بداد گاههای سیار را نقض کرده باشد چه طبق ماده یک که پیدایش و استقرار خانه انصاف را در همه دهات صرف نظر از نزدیکی و دوری بمراکز قضائی پیش بینی و اجازه داده دامنه فعالیت آن محدود بحدود اسکان ایلات و مناطق دور از مراکز قضائی یا محیط دهستان نبوده و اساساً منافاتی با قانون محدود داد گاههای سیار ندارد چه شورای مزبور در همه جا از پنج نفر معتمدان محل که ساکن همان ده باشند برای مدت چهار سال انتخاب میشوند و حال آنکه داد گاه سیار در رسیدگی بامور قضائی از قضات مجرب یا بازنشسته داد گستری موظفاً انتخاب و بکار گماشته

پیشوند و حال آنکه اعضاء شورای خانه انصاف افتیخاراً و میجانی بوظائف محوله قیام و اقدام میکنند.

وظائفی که بعهدہ خانه انصاف واگذار شود موسع تر از وظائفی است که در قانون پنجایات صرف نظر از اسور اداری شوراها بآنان اختیار داده است چندانکه در قانون خانه انصاف اسور و دعاوی غیرسأهیتی که مربوط بمال غیرمنقول است مثل دعاوی تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و مخالفت از حق محول بخانه انصاف گردیده البته دعاوی که بین بومیان ده روی میدهند نه اختلاف یکی از قبیل دعاوی تصرف عدوانی بین دوده راجع بمزرعه یا چمن یا چراگاه، وجود معدن و دعاوی مزاحمت و سمانعت از حق راجع بحق مجری، آبریز، حق چراندن، حق فاضل آب، یاحقابه رودخانه ای یاچشمه ای و از این قبیل دعاوی که دعاوی مزاحمت در نوبه آب مربوط بیک ده بین ساکنان محلی همان ده یا تجاوز و تصرف عدوانی زمین دیگری، تغییر حد و سرز، یا تصرف در حریم چاه و قنات دیگری و این سنخ دعاوی که معمران و بزرگان منتخب ده از نظر سابقه و دارا بودن اطلاعات محلی بیشتر وقوف داشته و سعی خود را در اصلاح و سازش بکار میبرند در صورتیکه در قانون پنجایات هندوستان راجع بمال غیرمنقول و این نوع دعاوی هیچ نامی نبرده است.

موضوع دیگری که جنبه اجتماعی آن از نظر تحولی که در کلیه شئون کشور حاصل شده حائز کمال اهمیت است زنده کردن اساس شورای خانوادگی است؛ با آزادی زنان و تثبیت موقعیت سیاسی واجتماعی آن در ایران جای آن داشت که در روابط خانوادگی مخصوصاً در دهات تجدیدنظری بعمل آید افکار نوین و مقررات تازه تری برای بهبود روابط و تأمین آسایش خانواده ها پیش بینی شود تا در نتیجه اشکالات زناشویی کم و بیش بنحوشایسته ای حل و رفع گردد؛ این است که طلایه چنین نویدی در چهارچوب خانه انصاف درخشیدن گرفت اسیر سیرود که بدین وسیله آشننگی ها، بیسروساسانی ها هم از کانون گرم خانواده ها رخت بر بندد و بجای آن محبت ها، صمیمیت ها جای گزین گردد.

دیگر از مسائلی که در قانون خانه انصاف پیش بینی شده این است که شورای خانه انصاف موقه قائم مقام دادستان ها بوده و همان وظائف مقدساتی که دادستانها در مورد صغار و میجانین و در حفظ اموال محجورین دارند شورای خانه انصاف سلزم است مادام که از طرف مراجع قضائی ترتیب اداره اموال آنان داده نشده است

اقداماتی را که برای حفظ دارائی اشخاص مذکور لازم میدانند بعمل آورده و هم چنین در مورد امور کیفری سراقبت در حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار مجرمین در جنایات مهمه از قبیل قتل و سرقت و ایجاد حریق و ضرب و جرح شدید و امثال آن را به عهده شورای خانه انصاف گذاشته است.

سلاحظه میشود که دامنه فعالیت شورای خانه انصاف در دهات و محیط‌هایی که دور از دادگستری و مراجع قضائی واقع هستند وظائف بس مهم به عهده آنان واگذار شده و این اختیارات صرفاً برای تهیه وسائل حسن تفاهم بین ساکنان و سربیان محل است که شورای برگزیده خودشان بهترین مایه‌ها و مرجع قانون در این گونه موارد خواهند بود و بدیهی است چنین شورائی که جنبه گذرا منشی آن از نظر خویشاوندی مردم ده و نزدیکی و سرارده دائمی آنها بآلام و خوشی‌ها و غم و شاد‌های یکدیگر شریک و غمگسار هم هستند، یگانه پناهگاه و غمخوار واقعی افراد ده بوده و وسائل تحجیب و رفع کدورت‌های بین یکدیگر را در موارد اختلاف حاصله فراهم می‌آورند.